

علل و عوامل شکوفائی و رکود تمدن اسلامی

سیداحمد رضا خضری^۱

چکیده:

پس از ظهور اسلام در شبه جزیره عربی و گسترش نسبتاً سریع آن در سرزمینهای همجوار از جمله ایران، شام، مصر، مغرب و اندلس و در نتیجه تلاقی اندیشه های متعالی آن دین با اندیشه های ملل مغلوب، بخشی از ظرفیت فرهنگی و تمدنی اسلام با میراث تمدنی دیگر ملل در هم آمیخت و تمدنی بالنده و شکوفا پدید آمد که با فراز و فرود از سده اول تا هفتم هجری به حیات پر بار خود ادامه داد و زان پس بر اثر علل و عواملی چند دچار رکودی مزمین شد که از آن روز تاکنون همچنان تداوم یافته است. بررسی علل و عوامل شکوفائی این تمدن از یک سو و تحلیل علل و عوامل رکود آن از دیگر سو از دیر باز مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته که حاصل آن ارائه نظریات و دیدگاههای گوناگونی در این باره است. در این میان در حالی که گروهی بر آنند که این تمدن بسان یک ماشین به سبب پیدایش موانع و مشکلاتی از حرکت خود باز ایستاده و در صورتی که بتوان مشکلات و موانع پیش آمده را بر طرف ساخت، دیگر بار شاهد نوزائی و شکوفائی آن خواهیم بود، گروهی دیگر اما، از منظری کاملاً متفاوت بر این باورند که دوران تمدن اسلامی به سر آمده و دیگر امکان بازآفرینی آن وجود ندارد و امید بستن بدان بی فایده است. زیرا آرزویی دست نیافتنی و یا رؤیائی وهم آمیز است.

این پژوهش بر آنست تا در یک نگاه علمی و مبتنی بر شواهد تاریخی، در گام نخست روشن سازد که براستی کدام عوامل زیر ساختی و شتاب زا موجب پیدایش آن تمدن درخشان شده و در گام بعدی روشن نماید که کدام عوامل موجبات رکود آن را فراهم ساخته اند، تا از این رهگذر پاسخ درستی به این پرسش بیابد که آیا باز آفرینی تمدن اسلامی ممکن است؟ و آیا ارائه الگویی از یک تمدن نوین که برخاسته از تمدن پیشین باشد، درست است یا خیر؟

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، عوامل شکوفائی، علل رکود تمدن اسلامی، عوامل زیرساختی و شتاب زا

^۱ . استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران